

درباره کوچه‌های با قدمت صفویه در مشهد که نقطه آغاز حرکت مسافران به سمت عتبات‌عالیات بوده است

کوچه «کربلا»؛ وعده‌گاه زائران نینوا



کاروانی از زائران که عازم کربلا هستند / دوره قاجار

سیده‌نعمه زینبی^(ع) پا در جاده کربلا گذاشتن، سفر آسانی نبوده‌است؛ در هیچ زمانه‌ای، مسافران این‌راه‌وصیتشان را می‌نوشتند، حسابشان را با دیگران صاف می‌کردند و رنج دل‌کندن از اهل‌وعیال را به جان می‌خریدند تا خود را به جانان برسانند و زائر ضریح شش‌گوشه امام‌حسین^(ع) بشوند.

زائران عتبات‌راه زیادی در پیش داشتند و معلوم نبود از سختی‌های سفر جان سالم به در ببرند یا نه؛ به ویژه

از دیار امام‌هشتم^(ع) که بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر با کربلا فاصله دارد، پس دور از ذهن نیست که عاشقان دیدار دشت کربلا با یکدیگر در گوشه‌ای نزدیک‌به‌حرم‌رضوی، قرار بگذارند تا پس از زیارت حضرت ثامن^(ع) راهی شوند. این وعده‌گاه، کوچه «کربلا»ست؛ جایی که دست‌های بسیاری برای وداع بلند شده، درحالی‌که آستینشان از اشک، تر بوده است.

«کربلا، نام کوچه‌ای کم‌عرض و کوچک در چندقدمی



تعدادی زائر در مسیر کربلا- دوره قاجار

قدیم‌ترها کاروان‌سرا بوده)، در نقشه‌های قرن ۱۴ نمایان می‌کند که به آن «تکیه‌صادق‌خان» می‌گفتند. این تکیه گویا در اوایل قرن ۱۴ خورشیدی، خراب می‌شود و چندی بعد هم نقویه مرحوم عابدزاده (سال ۱۲۳۰) جای آن را بر می‌کند، شواهد می‌گویند فردی با نام صادق‌خان این ملک را وقف کرده اما بر اثر گذشت زمان، فرسوده و تخریب شده است و زمانی که حاجی عابدزاده به‌دنبال زمینی برای ساخت نقویه می‌گشته، اوقاف این‌زمین‌را به او پیشنهاد می‌دهد. در ادامه، بنای نقویه که برای مدتی تبدیل به مدرسه شده بود، نیز دوامی نمی‌یابد و حدود شصت‌سال بعد تخریب می‌شود. حالا این زمین گودبرداری شده در حصار آهنی که در سطرهای بالا وصفش را نوشتیم، تنها نشان به‌جامانده از آن است.

- محل قرار کاروان‌ها

گاهی در متون تاریخی باید دست‌به‌دامان گمانه‌زنی شد. در کوچه کربلا هم وقتی که مطمئن می‌شویم خبری از کاروان‌سرا در این اطراف نبوده و این کلام، اشتباهی رایج میان مردم است، به‌سراغ دیگر احتمال‌ها می‌رویم. رضا سلیمان‌نوری، مشهدپژوه، درباره نام این کوچه می‌گوید: «در سال‌های دور، این گذر محل تجمعی برای قرار کاروان‌سالارهای کربلا بوده است. آن‌ها، کاروان زائرانشان را از نقاط مختلف می‌آورده و در ابتدای این کوچه، جمع می‌شدند تا عازم زیارت عتبات شوند». به‌گفته سلیمان‌نوری، «تا وقتی کاروان‌های شتر و اسب و حتی کامیون‌های چوبی رواج داشته، از این مکان برای تجمع کاروان‌های زائران کربلا استفاده می‌شده ولی

کوچه کربلا چه امکاناتی برای زائران امام‌حسین (ع) داشت؟



یک حمام، یک حوض آب و یک تکیه در اطراف کوچه قرار دارد که از قراری، نیاز زائران و مسافران را برای نظافت و تأمین آب برطرف می‌کرده است. احتمالاً مسافران پیش از آنکه راهی کربلا شوند، آخرین حمام را در کوچه کربلا می‌رفته‌اند. از حوض انبار ظرف آبشان را پر می‌کرده و وضویی هم می‌ساخته‌اند.

همچنین به‌نظر می‌رسد باتوجه‌به عرض کم کوچه کربلا که مکان خوبی برای تجمع نبوده است، این تکیه صادق‌خان بوده که از زائران کربلا، میزبانی می‌کرده است و به همین دلیل نیز درمیان کلام ریش‌سپید‌کردگان این محدوده، نام کاروان‌سرای «حوض‌برجی»، جا خوش کرده است. ازآنجا‌که تکیه با نیت امام‌حسین^(ع) پا می‌گیرد، هیچ بعید نیست که در آن به روی زائران حضرت هم باز بوده باشد تا از این نقطه، راهی دیار یار شوند. درواقع زائران به این تکیه می‌آمده‌اند و پس از تجمیع به‌سمت دروازه عیدگاه می‌رفته‌اند تا یک سفر پرمشقت و طولانی را آغاز کنند.

اسناد به‌جامانده در مرکز اسناد آستان قدس رضوی مربوطبه صورت مخارج ماه محرم تکیه صادق‌خان در سال ۱۳۰۰قمری، خبر از فعالیت این حسینیه در ماه محرم و ارتباط این موقوفه با آستان قدس می‌دهد. ابراهیم‌خان، متولی این موقوفه بوده که درآمد یک عطاری وقفی در همسایگی اش، به مصرف آن می‌رسیده است.

گشتی در امروز «کوچه کربلا» و پیدا کردن حمام زائران کربلا



گشتی در امروز کوچه کربلا نشان می‌دهد که طول این معبر در همه زمان‌ها، حدود صد متر بوده و بیشتر از بیست منزل مسکونی در آن سقف و ستون نخورده بوده است که حالا خبری از همان هم نیست. جای آن خانه‌ها را امروز، ساختمان‌های بلند، هتل‌ها و میهمان‌پذیرها گرفته است که ظاهری نئونوار دارند.

همچنین پیش‌تر گفتیم «دالمج» در نقشه‌ای که زمان قاجار از این کوچه کشیده است، مکان یک حمام را در آن مشخص کرده و جالب است بدانید اکنون هم در اینجا یک گرمابه با نام ثبت‌شده «مرجان» وجود دارد. در نگاه نخستین، به‌نظر می‌رسد حمام قدمتی ندارد، ولی در گفت‌وگو با مالکان آن، متوجه می‌شویم که بنای گرمابه مرجان، دارای دویخش قدیمی و تازه‌ساز است. بخش تازه‌ساز آن با ۲۲نمره‌را سال ۱۳۴۵ رجب فرازی ساخته است و قسمت کهنسال ساختمان (با حفظ سازه اصلی، بازسازی‌شده) نیز به‌گفته پسرش، محمدحسن فرازی، بیش از صد سال قدمت دارد. این بخش، سقف‌هایی گنبدی دارد و شاید بتوان آن را بقایای همان حمامی دانست که دالمج در نقشه قاجاری مشهد کشیده است که اگر چنین باشد، حالا صدوپنجاه‌سالی می‌شود که پابرجاست؛ البته از بد روزگار، این حمام انگار از چشم میراث‌فرهنگی دور مانده است و ثبت ملی نیست.

حوض برجی؛ پابر جا، ولی مترو که



آب‌انبار از زمان صفویه تاکنون، همچنان محکم و استوار است که این معبر، بیش از همه به آن شناخته می‌شود. آب‌انباری با ۹۲پله سنگی که در تاریخ ۲۴تیر ۱۳۸۲ یکی از آثار ملی ایران شده است، البته این سازه عهد صفوی که ساخت آن را به شیخ‌بهایی نسبت می‌دهند، اکنون وضعیت نزاری دارد. زباله‌ها در پشت آن انباشته شده است و توری کوچک نصب‌شده در جلوی نرده‌های آن هم نتوانسته است از زباله‌ریزی به درونش جلوگیری کند. این بنای تاریخی در کم‌رکش کوچه به فرسایش مشغول است و هیچ مسئولی سراغی از آن نمی‌گیرد. نمای خارجی آب‌انبار، سردری آجری و ایوانی کم‌عمق دارد. احتمالاً این آب‌انبار، آخرین جایی بوده است که زائران کربلا از آن برای سفرشان آب برمی‌داشته‌اند. کتیبه‌های نستعلیق بر روی کاشی هفت‌رنگ با خط سفید بر زمینه لاجورد به‌سختی خوانده می‌شود، ولی آن را بیش از پیش به کربلا و زائران آن مرتبط می‌کند: عباس^(ع) که از فرات چو برگشت تشنه‌لب رو کرد به خیام حرم با دوصد شفقت از کثرت شقاوت و از ظلم کوفیان از دستش آب رفت و جان آمدش به لب...

اینجا مکان سابق تکیه صادق خان است

